

در باره... بقیه از صفحه ۱ انقلابیون چین در آن راه پیمایی کبیر و جنگ طولانی در مغ جان خویش بودند نه در ارتش پیروزی (چه میشد اگر خلق و پیمان از هواپیماهای مرگبار آمریکایی زندهار میطلبیدند !
لنین صریحا میاموزد که برای انقلاب کردن باید اکثریت کارگران... کمالا به ضرورت انقلاب پی برند و آماده باشند در راه آن جان خود را نثار کنند... (منتخبات، جلد ۲ قسمت ۲ ص ۴۹۶)

و اینک راد پوری روزیونیتها، مارکسیستهای نینیتها را بعلمت این تبلیغ که "بدون قربانی نمیتوان پیروز شد" پسا د ملات و استیزار میگردد !
البته مارکسیستها - نینیتها مانند کلبه جانبازان - حتی جا نیازان مذمومی - هوادار قربانی دادن بیهدف نیستند ولی این واقعیت را میبینند که هدف آنها در اثر شرایط جامعه طبقاتی، بدون قربانی دادن بدست نخواهد آمد. بقول آن شاعر آزاده :

تا مرگ را پذیره نیباشی
گفند معیادت نخواهد شکست

"بیک دروغ" اتهام میزند که اگر "آقایان مائوئیستها" میگویند از قربانی نهرساید منظورشان اینست که کوبای سوسیالیست را قربانی کنید، اتحاد شوروی را قربانی کنید... در برابر این دروغ آشکار چه میتوان گفت؟ آن روزگار که اتحاد شوروی کشور سوسیالیستی بود برای نجات خود و جهان از یوغ فاشیسم، از بذل ملیونها قربانی باز نایستاد و انقلابیون جهان نیز مصالح اتحاد شوروی را در مرکز مصالح خلفها قرار میدادند و برای پاسداری کشور لنین و استالین از مقابل با هیچ مرگ وحشتناکی باک نداشتند. ولی امروز اتحاد شوروی که در نتیجه خیانت روزیونیتها شورویستجفی بصورت کشوری سوسیال امپریالیست و همدست امپریالیسم

آمریکا در آمده و از خون لومویا تغذیه میکند و از خاکستر زان بالاخر کم میشود هدف دیگری چون قربانی کردن خلقها ندارد. در ۱۹۶۲ در مورد کوبای انقلابی نیز چنین کرد. او بود که برای مسابقه در شانها و اتنی پایگاههای اتنی در کوبا ساخت و همینکه با مقاومت امپریالیسم آمریکا روبرو شد نه فقط علی رغم دولت کوبا بر سر تخریب این پایگاهها با دولت آمریکا کنار آمد بلکه رضایت و اکتفا به تخریب با نقض حاکمیت و استقلال کوبا تحت نظارت سازمانهای به اصطلاح بین المللی و در واقع دست نشانده امپریالیسم آمریکا صورت گیرد. فقط ایستادگی کوبای انقلابی آن روز بود که نگذاشت جاکویستو استقلال وی در پای سازش روزیونیتسم شوروی و امپریالیسم آمریکا قربانی شود. و آنانکه از ایستادگی کوبا دفاع کردند مارکسیستها - نینیتها بودند. این واقعات تاریخی را با هیچک از امواج اثیری هر قدر قوی و وقیح باشد نمیتوان پوشانید.

بیک دروغ اتهام میزند که "آقایان مائوئیستها" که هوادار قربانی دادن بیهدف اند جنگ اتنی را بسود خلقها جهان میدادند. این اتهامی است که مستقما از دهان خروشچاف گرفته اند. خروشچاف هر روز و هر شب در تبلیغ این فکر میکوشید که در راه بیشتر در برابر بشر وجود ندارد؛ با اعراض از انقلاب و با رهسپاری بسوی جنگ اتنی که نه فقط منهدم کننده نسل بشر بلکه منجر کننده کره زمین است. و مارکسیستها - نینیتها پاسخ میاورند - و میاورند - که بشر میتواند با مبارزات خود از جنگ جهانی جلوگیری و با انقلاب خود ریشه جنگ را ببرد. و همه مارکسیستها نینیتها همه خلقهای جهان در این راه روانند - و هرگاه امپریالیستها بیرانگیختن جنگ اتنی متوسل گردند اگر چه تلفات سهمگین به بشر وارد خواهد آمد اما آنچه نایب خواهد شد امپریالیسم و سرمایه داری خواهد بود نه بشریت. در زمانی که روزیونیتها ها میدهند دو چیز بیشتر نیست و یا بر دگر بشریت و یانا بوی وی. و در زمانی که مارکسیستهای نینیتها میدهند یک چیز بیشتر نیست؛ و رهائی بشریت و نابودی استعمار و استثمار این دور زمانی واقعی مارکسیستی است که خلقهای جهان امید میبخشد و آنها را برای ساختمان جهان شکوفان نین بری انگیزد.

رفیق مائو تده دون در همان سالهای پیش از جنگ دوم جهانی، دور زمانی آینده بشری را با چنین شور و نشاطی توصیف میکرد :

" این جنگ (یعنی جنگ دوم جهانی که در پیش بود - سرمایه داری را نجات نخواهد داد بلکه برعکس آنرا بسوی اضمحلال خواهد کشاند... بشریت دچار مصیبت عظیمی خواهد شد. معدک در اثر وجود اتحاد شوروی و در اثر ییاری روز افزون خلقهای جهان در جریان این جنگ قطعا جنگهای کبیر انقلابی بوقوع خواهند پیوست. این جنگها علیه جنگهای ضد انقلابی متوجه خواهند بود و به جنگ کونی خصلت " جنگ در راه صلح جاودان " را خواهند بخشید و حتی اگر بعدا دوران جنگ نوبتی فرارسد صلح جاودانی در جهان خیلی دور نخواهد بود. و تئوریک بشریت سرمایه داری را نابود ساخت، خود به عصر صلح جاودان قدم میگردد و دیگر نیازی به جنگ نخواهد داشت، دیگر احتیاجی به ارتش، کشتی های جنگی، هواپیماهای نظامی و گازهایی سنی نخواهد بود. و آن وقت است که بشریت دیگر جنگی بخود نبیند. جنگهای انقلابی ای که هم اکنون آغاز گردیده اند بخشی از همین جنگند که بخاطر تأمین صلح جاودان صورت میگیرند. " (منتخبات نظراتی ص ۲۵۸)

تاریخ بدرستی این سخنان داهیانه گواهی میدهد. این سخنان نمودار آن است که مارکسیستها - نینیتها طرفدار قربانی دادن بیهدف نیستند ولی هدف خود را که رهائی بشریت است آنچنان والا و تابناک و دل انگیز میبینند که از هیچ قربانی در راه آن دریغ ندارند.

اما بدیهی است که آنهاست که مارکسیسم - نینیتسم را در پای سوسیال امپریالیسم شوروی قربانی کرده اند مقصدی مقصود دیگری جز حفظ بقا، پر خفت خویش نمیتوانند داشته باشند.

نبرد بر ضد... بقیه از صفحه ۱ خلیفه ابن حمد آل ثانی، عربستان سعودی موفق شد خلیفه را به پیش کشیده در راهس انجام دایه امارات بگارد.
دستگاههای اداری نوظهور امارات عربی بسویله مزدور اردنی، سودانی، مصری، فلسطینی و غیره میچرخد.
اما وضع در عمان: در روزگار سعید بن تیمور پدر سلطنت کونی عمان (موسوم به قابوس) نیروهای مختلفی به ضدیت با او برخاستند. یکی از این نیروها بازرگانان سواحل عربی و لیبیا و اعضاء خاندان ابوسعیدی بودند که با سعید بن تیمور دشمنی داشتند و از مشروطیت طرفداری میکردند. اما نیروی دیگری عبارت بود از نیروی ملی ترقیخواه و دمکراتیک که عشق تضاد بین خلق و دشمنان وی و مهابت اردیگاه دشمنان مذکور را بدرستی درک میکرد و میدانست که تحول در عمان باید بدست دهقانان، شهبانان، صحرانشینان، ماهیگیران، کارگران و روزواری کوچک عملی گردد و عزل سعید بن تیمور بقتضای هیچ دردی را روا نینماید. هدف امپریالیسم از عزل سعید بن تیمور و نصب سلطان قابوس آن بود که در صفوف هواداران انقلابی تفرقه بیفتد و دافتره کمانیترها که از سرفه استعماران میخورند گسترش دهد امپریالیسم میخواست با اصلاحاتی سطحی بفریب توده ها دست بزند و تجسس خود را در اردن در عمان تکرار کرده صحرا نشینان را بسوی نقطه های نو استعماری خویش بکشاند. ولی نیروهای انقلابی که در گرونی های عمیقی بسود نخلسود در نواحی آزاد شده ظفار ایجاد کرده اند و در عمان داخلی نیز از حیثیت بزرگ برخوردارند بر این نقشه پست پا زدند. قزای سلطان عمان تحت سرپرستی افسران انگلیسی بر نواحی آزاد شده ظفار حمله برده به بهمانان های وحشیانه دستبزدند و کوشیدند که اهالی را تحت فشار گرسنگی از پای در آورند. ولی با مقاومت و تعرض متقابل نیروهای انقلابی روبرو شدند. سلطان قابوس پس از شکست نظامی اکتبر - نوامبر سال گذشته بدین اردن پناه برد و از سلطان حسین کنخواست و اخیرا با ایران پیمان نظامی منعقد ساخته که بموجب آن به بیش از ۹۰ سرباز ایرانی به عمان آمده اند. بموجب همین پیمان جزیره ام القنمر را به ایران تسلیم کرده و ایران در آنجا پایگاه نظامی بوجود آورده است. همچنین تمام منطقه مرتفع کوهستان را در اختیار ارتش ایران قرار داده است تا ارتش ایران از آن

باید نوروز... بقیه از صفحه ۱ تشکیل ابتدائی و مقدماتی نیروهای انقلابی، دامنه مبارزات توده های مانند اعتصابات و تظاهرات، وجود مقاومت های مسلحانه و ضربه و ضربه یکسان نیست. امروز حتی رژیم کودتا نیز از لاف و گراف در باره "جبهات خویش زمان در کشیده است. هیاهوی تبلیغاتی رژیم نتوانسته است و نمیتواند فریاد خلقی پیکار جوی ما را خاموش کند. اگر در نخستین دهه رژیم کودتا فقط از برج و باروی او گولوسه می بارید در سال های اخیر صغیر گلوله های انقلابیون ایران نیز در فضای کشور ما طنین می افکند.

از اینجست خلق ایران در آستانه نوروز ۱۳۵۲ با همه حرمان ها و رنج ها با خوش بینی انقلابی بآینده میگرد. راهی دشوار و خونین در پیش است. سازماندهی در شرایط کار عمیق مخفی و علی رغم سلطه سازمان امنیت، تدارک مبارزات توده های و بویژه مبارزه مسلحانه و مستلزم شکستهای همیشگی داناتی و فد اکاری بسیار است. ولی خلق ما بشهادت پیکارهای اقتدار آمیز گذر شده و امروزش، تحت رهبری طبقه کارگر ایران، این وظیفه تاریخی را با سر بلندی انجام خواهد داد. نوروز ما از سر پنجه خلقی ایران طلوع خواهد کرد. شاد باش نوروزی ما بهمه زحمتکاران روستا و بدهقانان قحطی زده و در بندر سیستان، بدهقانان زارگان خرد سیال سیستانی که در اثر فقر و گرسنگی خرید و فروش شده و میشوند بهمه کارگران، بهمه آنهاست که در نوروز بر سر سفره خالی می نشینند، بهمه ستمدیدگان، بهمه کسانی که در راه سر بلندی میهن ما پیکار میکنند، بهمه میهن پرستان، بهمه خانواده های شهیدان، بزندانیان سیاسی که بریم مبارزه در بیخونه ها و شکنجهگاههای سازمان امنیت نیز سر بلندی نگه داشته اند.

پیکار کنیم تا نوروز ۱۳۵۲ سر آغاز دوران جدید اعتلا مبارزه ملی و ضد امپریالیستی باشد.

باید فرزادمان نوروز خلقی ایران.

گواهی راست و درست

دولت ایران پیوسته در جستجوی مسافری سیاستمدار روزنامه نگاری، ماجراجویی است که باورش ای بدهد و از او سخنی در ستایش اوضاع ایران بستاند و آنگاه ستایش مذکور را با کلبه وسائل تبلیغاتی خویش بر رخ مردم ایران بکشد. نمونه اثر استفاده از موتورسوارانی است که اخیرا از پاریس به تهران و اصفهان آمدند و از همه گونه پذیرائی برخوردار شدند. روزنامه کیهان نوشت: "موتورسواران با ۱۲۰ کیلو متر سرعت آن هم در شرایطی که هر کدام دخترک زیبایی را در تریک خود سوار کرده اند، چنان میروند که خیابان های تهران هرگز بیسار نداشت. آنهم از برابر چشمان پلیس های که نه تنها جرمی ندارند نمیکردند بلکه راه را هم باز میکردند."
اینک چند نکته از صحابه خبر کیهان با این موتورسواران "راستگو":
سؤال از یک آقا: "چه چیزی در طول سفر برایتان جالب بود؟"
- دیدن دهات ایران، دهک های ایران واقعا زیبا هستند."
سؤال از یک خانم: "در خاک ایران چه چیز جالبی دید؟"
- دهات ایران و معماری خاص آنها که فوق العاده است و مردم که چقدر مهربان اند."

ها مستورا پاسداری کند. ضمنا از طرف امپریالیسم انگلستان اقدامات گوناگون امنیتی در عمان صورت گرفته و افسران اردنی به همکاری با افسران انگلیسی به سرکوبی نهضت در داخل عمان پرداخته اند.
جبهه توده های آزاد بخش عمان و خلیج در پایان پاسخ خویش میگوید که وظیفه انقلابیون در چنین شرایطی تکیه بر حق استقلال و حاکمیت خلق است. توده های خلق عمان برای افزایش عایدات و با برخی از خدمات اجتماعی مبارزه نمیکنند. مبارزه آنها بخاطر رهائی میهن از استعمار و ایادی وی و به خاطر استقرار حکومت خلقی است.

آیا امید دارید؟

هنوز که هنوز استاسکاس ایران در خارج چاپ میشود !
 مجله تهران اکونومیست (۱۷ تیر ۱۳۵۱) با همه
 محافظه کاریش مینویسد: "چاپ اسکاس در داخل کشور از
 لحاظ نظر مطلق تر از خارجه است آنجا که حتی کشورهای
 کم جمعیتی نظیر فنلاند یا ناپلند هم مصرف خود را در داخله
 تولید میکنند"

تجربه گیریهای... بقیاضصحه؟ سازمان امنیت در آمده
 برای اینست که خلعت انقلابی خود را همچنان حفظ کرده است!
 شما هم اگر انقلابی هستید و میخواهید انقلابی باقی بمانید به
 سازمان امنیت بپیوندید، اگر بخواهید از "بدترین اید آلیست
 ها" نباشید (اینجا یخه شمارا بعنوان فیلسوف میگرد)
 "ذهنیت و ایدهای مربوط به زمان و مکان دیگر را بر عینیت
 مقدم "ندارید" ذهنیت و ایدهای شاه و من تبعش را کسه
 عین "عینیت" است بپذیرید. چنین است یکی از شعارهای
 او برای معرفی این کالای بنجل سازمان امنیت که گویا ایرانیان-
 های خارج از کشور واقعت جامعه ایران را بد رستی نمیشناسند.
 لاشائی از تجربه صحبت میکند و متذکر میشود که شکست
 تجربه دال بر آنست که در شرایط و عوامل تجربه در مقدمات
 و تدارک تجربه اشتباهی رخ داده است و اگر شکست تکرار شد
 معلوم میشود کار از ریشه نادرست است. "این یک اصل خطی
 ناپذیر در همه علوم است که شکست های پیاپی بدترین گواهی
 بر آنست که مرتب تجربه گر خلاف قانونندی عمل میکند موضوع مورد
 تجربه را خوب نمیشناسد و شیوه کارش باروند موضوع تطابقند از
 اما تجربه گر کیست؟ تجربه گر است؟ شکست تجربه چگونه
 است؟ لاشائی تسلیم خود و چند تن دیگر را بحساب شکست
 تجربه انقلابی میکند و بر اساس آن تئوری "علی" میسازد.
 "این تجربه اول نیست، نیکخواه، پارسا سازاد و دیگسران
 و بالاخره من!" این طرز توجیه تئوریهای علی فقط به-
 درد سازمان امنیت میخورد که خیال میکند با این تیرنگسای
 "دانشمندان" به فریب توده ها و روشنفکران توفیق خواهد
 یافت. بتاریخ جنبش های انقلابی جهان نظری بیندازید.
 خود فروشیانی نظیر لاشائی، نیکخواه و دیگران فراوانند اما تجربه
 آنها تجربه خیانت است نه تجربه انقلاب و نه تجربه عدم
 معرفت به واقعت. علی رغم خیانت آنها واقعت همچنان س
 سرخست باقی مانده، انقلاب همچنان به پیش رفته و بیروز
 شده است. بی بینید که اینجا هم میخواهند به شیوه "علی"
 شما بقبولانند که من خیانت کردم، اوفیانت کردم، ما خیانت
 کردیم. پس واقعت رژیم ایران آن نیست که شما بی پندارید!
 واقعا که صغری و کبری و نتیجه گیری با هم میخوانند و "استدلال"
 قوی تر از این ممکن نیست!!

در روستای ایران

از طریق واردات یا احتمالاً پس از تغییر مختصری در محاسب
 (صنایع پوتاز) تحصیل میگردد و از طریق صادرات منابع
 طبیعی بخصوص نفت و راه های خارجی و دعوت سرمایه های
 خارجی پرداخت میشود.

"نگاه دهقانان در فریاد اصلاحات ارضی وابسته
 باین سمت گیری کلی است. نفوذ بورکراسی در روستا با آهنگی
 سریع صورت میگردد: ملی کردن جنگها و آبها و مراتع،
 تاسیس ارگانهای متعدد برای توده های کوهنوردی و
 تشکیل شرکتهای زراعی زیر نظارت دولت، تشکیل کورپوراتیوها
 دهقانی و تفرهائی برای فروش محصولات زمین و بالاخره ایجاد
 سپاههای "دانش" و "بهداشت" و "محو" و "ممنوع" و غیره."
 "این نفوذ آریستوکراسی در روستا در زیر لفاظیه و متفلسفانه
 فنی و اقتصادی پنهان می آید. اما واقعت چیز دیگر است.
 این کورپوراتیوها که کارمندیانی از نزدیک بر آنها نظارت دارند
 در واقع نظاماتی محصور شده اند که ظرفیت رشد آنها را محدود
 میسازد و بریاری دهقانان مشغول خدمات ناچیزی است. دهقانان
 باید به بازار باخواری روی آورند که بانکها فقط قسمتی از آنرا
 تشکیل میدهند. سودهایی که در این معرعه میگردد بصورت
 سرمایه در نیاید بلکه یاب خورید زمین اختصاص مییابد و یا در
 بازار اشیا صرفی خرج میشود و یا راگ میبازد."

"مقامات اداری تمام سعی خود را بکار می برند برای
 آنکه دهقانان کوچک زمین های تازه ای در اختیار نگینند قانون
 واحد های کت و صنعت مقرر می آید که بویژه بروی زمین های
 که در زیر سد ها قرار گرفته اند زراعت از نوع سرمایه اری بوجود
 آید که برای بازار بین المللی تولید کند. به علاوه بانکها زمین
 قانون اصلاحات ارضی به بعضی از مالکین اجازه داده است
 که بر طبق قانون بهترین زمین های آبی را برای خود نگه دارند
 یا بروی زمین های دشت یا کوه دولت به ایجاد واحد های
 وسیع زراعت بگنیزه بپردازند. هیچ اقدامی بر علیه احتکاج آب
 توسط مالکین دیگر نمی آید که باید برای آبیاری مورد استفاده
 واقع شود صورت نگرفته است."

"بانکه هدف اعلان شده شرکتهای سهامی زراعت عبارتست
 از تبدیل دشت ها به سازمانهایی از نوع کشاورزی اشتراکاتی
 مغذک نحوه کار این شرکتهای بروشنی نشان میدهد که مقصود
 سلب مالکیت از دهقانان است بسود یک دستگاه بورکراتیک که
 قابلیت و شایستگی تکنیکی آن هنوز به اثبات نرسیده است."
 "با بررسی یکایک تاسیسات جدید این نتیجه حاصل
 می آید که روابط میان دستگاه دولتی و دشت از ۱۹۶۳ در جهت
 نفی آزاد شدن دهقانان که در ۱۹۶۲ پیش بینی میشد، سوق
 داده شده است."

روزنامه "لوبوند در شماره ۲۲ ژانویه بنامست دهسین
 سال "انقلاب ۱۲ گانه" محمد رضاشاه مقاله ای بقلم پل ویسی
 درج کرده که وی مدت دسسال شمندی مقام مدیر تحقیقات
 مطالعات و تحقیقات اجتماعی در تهران بوده است. مقاله
 مذکور بویژه با توجه باینکه نویسنده اش مدت دسسال در خدمت
 رژیم ایران صرف کرده حاوی نکات جالبی است که ما برخی از آنها
 را از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم:

پل ویسی مینویسد:
 "هنگامیکه اصلاح ارضی اعلام شد شور و هیجان شهر
 در ده صورت قیام بروز کرد جنبش که عموماً مسالمت آمیز بود در
 پارهای موارد از اعمال قهرآمیز برخوردار نمادند. دهقانان خود
 این اصل اصلاح ارضی را که زمین متعلق به کسی است که آنرا
 میکارند و بکار بستند. آنها از پرداخت بهره مالکانه امتناع
 ورزیدند و مالکان را بده راه ندادند، گاهی نیز خانه های
 آنها را اشغال کردند، انبارهای آنها را بغارت بردند و
 اینها همه در یک محیط جنبش و سرور نمود های انجام
 میگرفتند."

"این جنبش در ژانویه ۱۹۶۳، هنگام کنگره دهقانان
 به اوج خود می رسید. این کنگره در عین حال نقطه عقب نشینی
 است. رژیم بویختگی یافت. آیا دهقانان خود را بمشابه
 یک طبقه اجتماعی محصیل خواهند کرد؟ آیا آنها در میان
 ملت نیروی سیاسی مهمی بدست خواهند آورد؟ آیا به جنبش
 شهری که دانشگاه و جوانان عناصر فعال آنرا تشکیل میدهند
 خواهند پیوست؟ دولت بالاخره تصمیم گرفت انقلابی را که
 خطر انجام از بائین میرفت از بالا انجام دهد. "اصلاح ارضی
 را عمل انجام شده اعلام کرد. نمایندگان کنگره به دها تا اعزام
 گردیدند. جنبش روستا خاموش شد و اصلاح ارضی بخاطر
 "حفظ منافع طبقات جامعه" ادامه یافت. قدرت دهقانی
 که بزحمت زاده شده بود بر افتاد. این انتخاب که به پیچوری
 تصادفی نبود نشانه برقراری مجدد قدرت قشر آریستوکراتیک
 است که یک لحظه متزلزل گردیده بود و همچنین نشانه تأیید
 سمت گیری کلی اقتصادی که در دوران بازگشت سلطنت تعیین
 شده بود یعنی ورود به بازار جهانی."
 "قشر آریستوکراتیک بر آن میشود که بر دستگاه بورکراتیک
 و نظامی تکیه زند، دستگاهی که فرزندان خانواده های قوتوال
 بسرعت جذب آن میشوند. پس از ۱۹۶۳ این دستگاه با سرعت
 زیاد به طبقه اجتماعی مبدل میگردد. طبقه ای که برای تثبیت
 خود، خود را می پوشاند و خصوصیت آن ولع برای پول و ثروت
 است. این طبقه، طبقه "صرف کننده" واقعی است. اما
 کالاهای مورد تقاضای آن "کالاهای غریب" است و بنابراین فقط

آنها است نمیدانند بلکه تحریک عامل خارجی قلمداد میکند.
 این "منطق" به پیچوجه تاریکی ندارد منتها لاشائی آنرا در
 لفاظیه "قانونندی" عرضه میدارد. لاشائی مفهوم "جمع" و
 فرد را مفهومی که در اینجا مورد نظر است نمی داند. اگر
 جوانان خارج از کشور را که در سراسر جهان از اقصی نقطه
 آسیا گرفته تا اروپا و آمریکا و حتی در یک کشور واحد مانند
 آمریکا یا فرانسه پراکنده اند بتوان "جمع" نامید، آنگاه دیگر
 مفهوم فرد در مقابل جمع جایی پیدا نمیکند. در اینصورت سعی
 میلیون جمعیت ایران را نیز میتوان علی رغم پراکندگی "جمع"
 نامید. در اینصورت چرا "جمع" اهالی کشور صدای لاشائی
 را که از پشت رادیو بلند میشود تکرار نمیکنند و بدنبال سخنان
 او نمیروند؟ اگر فی المثل صدائی در اروپا نظیر آنرا در ژاپن
 یا در لوس آنجلس بدنبال میاورد چگونه است که صدای سخن
 شاه چنین معجزه های بیار نیآورد، برکس خشم و نفرت بر می -
 انگیزد؟ چگونه است که اینهمه تبلیغات رژیم شاه با اینهمه
 نیرو و وسائل قادر نیست توده ها و از آنجمله جوانان را از "فکر
 مستقل" بازدارد و بسوی رژیم بکشاند؟

سازمان امنیت این بار لاشائی را با سلاح "علم"
 بجنگ ایرانیان خارج از کشور فرستاده تا شاید نتیجه بیشتری
 بگیرد. اما قاع از رژیم در زیر هر لفاظیه ای که صورت گیرد محکوم
 به شکست است و مدافعان رژیم از دفاع خود جز کینه و نفرت
 مردم طرفی نخواهند بست.

توس از مردم

چندین پیشتر بر کشور طی نطقی دستور داده شد... کارمندان باید حتی
 تلفن های که مسنلر میکنند و یا از نظر به آنها میشود و اجای میشوند
 یا همپان بیادوستی جهت دیدن آنها بوزارتخانه بیادوستی
 کرد در ضمن گزارش کار خود بوقت مربوطه تسلیم کنند. (کیهان
 ۲۸-۲۹ شهریور ۱۳۵۱)

اینکه دستور جدیدی از جانب نخستوزیر صادر شد که "ماموران
 دولت را با تعطیل نباید بدون اجازه مقام بالاتر، شهر محل خدمت
 خود راترك کنند." (کیهان ۲۶ آذر ۱۳۵۱)
 این دستورها که نظری از تقشیر عقاید قرون وسطایی است و در عین
 حال گواهی بر مردگرای رژیم محمد رضاشاهی از مردم است. این بدین
 است که ادعا می رود بر مود اصلاحات اجتماعی شیوخ و کرافتی
 پیش نیست و اقوام و قومها و ملت مردم روز افزون است.

عنوان مکاتبات
 X GIOVANNA GRONDA
 24303 VILLA D' ADDA/ITALY

حساب بانکی
 X GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
 MILANO / ITALY

پیروز باد جنگ توده های خلق فلسطین

موجود عجیب الخلقه!

اخیرا موجود شگفتی بدنیآ آمده است بنام " سازمان عمران کیش" ! مرکزش : تهران خیابان پهلوی شماره ۳۷۴ . سرمایه اش یکصد میلیون ریال . اما مؤسسیش ... اینجا ست کشفکنی ولادت این موجود آشکار میگردد . مؤسسیش عبارتند از : سازمان اطلاعات و امنیت کشور ، و بانک عمران ! هیئت مدیره اش : اسد الله علم وزیر دربار ، ارتشبد نصیری رئیس سازمان امنیت ، ... و چند نوکر دیگر ریسا !

اینکه بانک عمران - که تا سرمایه اش متعلق به شخص است - است و از محل فروش قسمتی از مال شخصی او فراهم آمده - در مؤسسه انتفاعی شرکت جوید عجیب نیست . این بانک فقط به منظور جلب منفعت برای محمد رضا شاه موجود آمده است . بهزاران بار بکرم - شکن قرض میدهد ، در مؤسسات مختلف سرمایه گذاری میکند ، و چون شامپنگاه درباری از هرگز متعوض گری نمیگردد معاف است به پیروی - ترین وارات و صادرات مشغول است ، هرجا رفتنک مای است - بانک عمران هم در آنجا نمایند در ارد .

اما عجیب اینجاست که سازمان امنیت کشور در کارهای امنیتی سرمایه گذاری میکند ! این کار در حکم آنست که وزارت دادگستری در ساختمان میدانهای فوتبال ویا وزارت فرهنگ در ساختمان پالاشگاه نفت سرمایه گذاری کند ! این بدنه نشانده آنست که هیئت حاکمه ایران حتی همان تقسیم کار اداری خود را نیز نمیتواند نگهدارد و آن را به بعضی اقتضای منافع ویژه آن خویش بهمیچیزند . شاید نکته عجیب دیگری که بنظر خواننده نگرامی برسد اینست که چرا این مؤسسه " منحصر بنیکر کار " همجای ایران و بران برارها کرد موید عمران جزیره کیش شناخته اند !

ولی در واقع هیچ شگفتی در این بدنه نیست . باید گفت که بعضی اینک قسمتی در ایران اهمیت خاص پیدا میکند و با سرمایه در آنجا در هکتی ویا اجاروت با صنایع بزرگ و یا سد های بزرگ مقیست متنازی می یابد بد رنگ سرمایه های درباری بسوی آن سران بر می شود تا سود حد اکثر برای خاندان پهلوی برآید . برخی از آنها در جنوب ایران که در سایه مؤسسات امپریالیستی نفت و پتروشیمی آنها وارد جنب و جوش اقتصاد شده اند در شبها زق قاطی هستند که چشم خیرین محمد رضا شاه و از رود شراب خود جلب گردانند . جزیره کیش یکی از آنهاست که شخص محمد رضا شاه اختصاص دارد و رود بد آن جزر با اجازه سازمان امنیت میسر نیست . محمد رضا شاه فقط در آنجا بهشت پائین زمستانه خود برای خود ساخته بلکه نقشه های سود آوری برای ساختمان مهمانخانه ها ، قمارخانه ها ، استخرها - بنظر می آید ایرانی از سرمایه آرانی که به پارسی مؤسسات نفتی خویش در خلیج فارس بر می آید و چنانکه ادانی نظیر آنها - ریخته است ، و در اجرای آنها نه فقط بانک خویش بلکه کمیته مؤسسات دولتی و از آن جمله بطور رسمی سازمان اطلاعات و امنیت کشور که مسلط بر کمیته مؤسسات است بکار میگیرد . بر این بنام " جزیره کیش برای عمران " امر تصدیق نیست .

اما جنبه سیاسی این " شرکت " بیشتر جالب توجه است . خلیج فارس دریای نفت است و یکی از مراکز مهم نفت انگیز سیاسی جهان است . کمینکا امپریالیستها و بریزه امپریالیسم آمریکا ست . از چندی پیش عرصه " رقابت امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم شده است . در همین حال خلیج فارس یکی از گاتونهای فروزنده نهضت انقلابی است . وسیله پیوند عده های از خلقهای شیفته آزادی و درخاوریانیه است . امپریالیستها میخواهند محمد رضا شاه را به پاتنه زاندرم چنگ در خلیج فارس مستقر سازند . پس عجیب نیست که محمد رضا شاه قسمتی از پایتخت خود را به بنام " جزیره خلیج فارس منتقل کند . سازمان امنیت که بعنوان شریک اقتصادی محمد رضا شاه در جزیره کیش در زیر تابلوی " سازمان عمران " شعبه اثر میکند در حقیقت هدفش گسترش شبکه های خویش در کمیته بنام روزگار ایران و امارات عربی است . چندین سال است که سازمان امنیت در این نقاط به فعالیت مشغول است تا از یک سود مورد اخلی امارات خلیج و از سود دیگری بران نظارت داشته باشد . شرکت " عمران " " نصیری - علم " که در جزیره کیش زیر نظر محمد رضا شاه تشکیل میشود اما این سیاست است .

نتیجه گیریهای « علمی » و « فلسفی » خیانت

را دارد و در معرفی کالا های سازمان امنیت شکرده خاص خود را بکاری بسرد .

کسی که در گذشته با عیوه کار این مزرعه مزروری در نهاد او است آشنایی داشته است میدانند که او هیچوقت و در هیچ مسئله ای در جاده راست قدم برنمیداشت ، خدا خیران را براه غلط میکشاند و وقتی خطای او آشکار میگشت آنجا برای آنکه خود را " انقلابی " نشان دهد ، به " سبک انقلابی " از خود انتقاد میکرد . انتقاد از خود در دست او نقابی بود که با آن خرابکاری های خود را می پوشانید و در ضمن انتقاد از نشانیه روحیه انقلابی خویش می نمایاند و از دیگران هم میخواست که به همین سبک عمل کنند تا بار روز بیستم خویش را سبک گردانند . اکنون نیز در پشت رادیو و تلویزیون بار دیگر به انتقاد از خود پرداخته است . اگر در گذشته از خود انتقاد میکرد کسبه مارکسیسم - لنینیسم را تفهیمده ، نقش عقابان را در دستش برنمیافته ، و فکر مبارزه مسلح را از روی دبره و چه گوارا بعزت گرفته ، کفدراسمیان را میخواست است بصورت سازمان کوچک آرتانارد درآورد اکنون از خود انتقاد میکند که واقعیت ایران را بدستی نمی شناخته ، به مبارزه با این واقعیت برخاسته و مغلوب شده است ، " در این هنگامه تسلیم شرافت مندانه و قبول استیغامت و نمودن واقعیت از شد واقعیت نه فقط وظیفه ملی (!!) بلکه ادای مسئولیتی است که شخص نسبت بخودش هم دارد " . این مرد شیاد پس از آنکه در سر اسر زدن اجتنابی خود بمعصومیت و حقیقت را زیر پا گذارده و سپس " اشتباه " خود را به تازیانه بسته است ، او که در سراسر زندگی پیوسته از شاخه ای به شاخه دیگر پریده است ، اکنون با قیام " انقلابی " بشما میگوید " واقعیت " را دریافته و " شرافتمندانه تسلیم " آن شده است و موظف میکند که مرد انقلابی نیاید . لجاجت بخرچ دهد و در برابر واقعیت بایستد . ترسید از این . که بگوئید اشتباه کرده اید اعتراف به اشتباه و انتقاد از خود خصلت انقلابی است . اگر او به خدمت بقیه رصفه ۳

آزود در آزردن ، اگر آنطور که در ضربالمثل آمده پشیمانی نیاید ، لایزال آید رهان سنایدن است . سازمان امنیت بار - دیگر خود فروختنای را به پشت رادیو و تلویزیون کشانید تا در آنجا آنچه را که از " غیب " بوی الهام شده بگوش شنوندگان برساند و همان ترهات خود فروختگان دیگر را که چیزی جز نفرت همگانی برای آنها بیار نیاید تکرار کند . سازمان امنیت بارها آزرده است که این افسون در نمیکرد و جوانان پر شور و میهن پرست ما هر بار این " رهبران " را از خود رانده اند ، سازمان امنیت به تجربه دریافته است که هر کس در هر مقام و مرتبه ای که باشد همینکه بخدمت سازمان امنیت درآمد دیگر جانی در میان مردم برای او نیست و حرفهایش اثری نمی بخشد . اما باز آزرده را میازماید . دلیلش اینست که سازمان امنیت آنجا که شنگجه گاه هایش تمام میشود ، آنجا که گلوله هایش کارگر نمی افتد دیگر کاری ازش ساخته نیست و ابلهانه تصور میکند که اگر اباغیلی را به یا صعبار از دهان این و آن تکرار کرد ، تکرار می تواند شیاری در مغز باقی گذارد و تاثیر می بخشد .

سازمان امنیت اینبار شخصی بنام کوروش لاشانی را برای صاحب به پشت رادیو و تلویزیون کشانید برای آنکه همان مطالب خود فروختگان دیگر را موبوتکرار کند ، ایران را به پشت مسرد و م بهشت جهان بشمایند . در نرم سازمانهای انقلابی ، در دم کفخی - راسمین محصلین و دانشجویان ایرانی حملاتی بنافه " انقلاب شاهانه " را بستانید و ترجیح بند آخری را نیز مینی بر اینک جوانان دانشجویان ، شما واقعیت ایران را نمی شناسید و راستیایید ، بخواند و چراغ الله خود را از سازمان امنیت بگیرد . روشن است که این سخنان نه در کسی کارگری افتد نه واقعیت سرخست ایران را تغییر میدهد . فقط امواجی است که در اثر برآگدسی - شون وین .

اما لاشانی در همین حال که " کاسیکاری " از قماش خود فروختگان دیگر است ، در همین حال که وظیفه اش پس از این در روان در زدن تکرار همان مطالبی است که خوانده و شنیده ایم ، " دکان " خو

نبره بر ضد استعمار نوین در عمان

نقش ایران در توطئه های نو استعماری در خلیج فارس

سعودی و امارات متحده عربی از آن میگردند . همه میدانند که ۶۰٪ ذخایر نفتی جهان در خلیج عربی (خلیج فارس) است و دول صنعتی سرمایه داری بر آن تکیه دارند

امپریالیسم انگلستان که در اثر جنگ دو جهانی تضعیف شده مقام اول را در سیادت بر خلیج ، بناچار به امپریالیسم آمریکا واگدشته است . آمریکا علاوه بر اینکه در بحرین و نصیره پایگاه دارد اخیرا رئیس اداره اطلاعات مرکزی آمریکا را بعنوان سفیر به تهران اعزام داشته است تاوی به کوشش بیشتری به سرکوب جنبش نجات بخش ملی ایران و عربی در منطقه خلیج فارس اقدام کند .

نقشه های استعمار نوین را در خلیج عربی (خلیج فارس) میتوان چنین خلاصه کرد :

۱- حفظ امارات پوسیده و کهنه عربی از طریق گرد آرد آنها در " اتحادیه امارات عربی " . در واقع اتحادیه مذکور همان نقش سابق انگلستان را برعهده دارد یعنی از لحاظ سیاست خارجی نماینده امارات است و از لحاظ سیاست داخلی وظیفه سرکوب نیروهای ملی را انجام میدهد .

۲- ایجاد دستگاه اداری و ارتش مزدور و تسلیحات روز افزون . مطابق نقشه های جدید ، علاوه بر پلیس و ارتشی که همجک از امارات خلیج دارد یک پلیس و ارتش " اتحادیه " نیز موجود است که در مواقع لزوم به کمک " امیر " و " شیخ " میاید .

۳- واگذاری نقش روز افزون به عرستان سعودی و ایران در حفظ سناق آمریکا در منطقه خلیج عربی (خلیج فارس) .

دولت مذکور هر کدم کوشش دارند که ارادت خویش را در حمایت از مصالح امپریالیسم به اثبات برسانند و سهم بیشتری از ارثیه انگلستان در خلیج داشته باشند .

عامل نمره یک ایران در میان امارات عربی و حاکم دومی است و عامل نمره یک عرستان سعودی ، بقیه رصفه ۲

اخیرا روزنامه الحریه پرسیستهای درباره اوضاع خاورمیانه و بویژه خلیج فارس - از قبیل تشکیل دولت امارات متحده عربی ، استقلال بحرین و قطر ، انعقاد قرار داد های جدید نفتی با ایران و عربستان سعودی ، ... و غیره - در برابر عده ای از سازمانهای ملی و ضد امپریالیستی عربی مطسرح ساخته و یا سخنانی دریافت داشته است . از میان آنها سنا بویژه پانخ های جنبه " توده های آزاد بیخس عمان و خلیج عربی که در شماره ۲۲ / ۵ / ۷۲ روزنامه الحریه چاپ رسیده بسیار جالب است و نشان میدهد که چه منافع مشترک عمیقی میان خلق های ایران و عرب در مبارزه بر ضد امپریالیسم و ارتجاع محلی وجود دارد . ما اینک خلاصه ای از پانخ های مذکور را از نظر خوانندگان گرامی توفان میگرداریم . جنبه " توده های آزاد بیخس عمان و خلیج عربی (خلیج فارس) منجمله میگوید :

حوادثی که با آنها اشاره شد حلقاتی از نقشه آمریکاست که میخواست سلطه خود را بر سراسر شبه جزیره عربستان گستر دهد و عمان در نقشه مذکور جای خاصی دارد زیرا که دارای موقعیت استراتژیک مهمی است . عمان مشرف بر دریای هند است و جزایری در این دریا دارد که مهمترین آنها جزیره نصیره است همان جزیره ای که انگلستان و آمریکا در آنجا پایگاه دارند . بعلاوه عمان از طرف مغرب مشرف بر خلیج عربی (خلیج فارس) و تنگه هرمز است که بطور متوسط هسرس ۱۲ دقیقه یک کشتی بزرگ نفتی از آن عبور میکند و قسمت اعظم نفت ایران و عربستان

سازمان امنیت بویژه در طی سالهای اخیر نشان داد که با وجود همه " تمهیکاری ها و درنگی های سازمانی زبون ، کج و از درون پوسیده است و در برابر نیروی روز افزون نهضت خلق نمیتواند از شکستهای فزاینده باری گنودید بخش شکست نهائی رژیم است بگریزد . باید یقین داشت که شرکت مؤلفه " نصیری - علم " در جزیره کیش نیز سرانجامی بهتر از این نخواهد یافت .

درخشان باد پیروزی های نوین خلق های هندوچین